

پرسش ۳۳۴: سؤالاتی درباره‌ی روزه، نماز نیابتی و به زیر سایه رفتن در حج و شروط متعه

السؤال / ۳۳۴:

۱- إنسان مؤمن أذن وأقام ودخل في الصلاة، وفي أثناء الصلاة خرج منه ما ينقض الصلاة، فهل يجب عليه الأذان والإقامة بعد الوضوء؟ مع العلم إنه سيغير المجلس حيث يذهب إلي الوضوء.

۱ - انسان مؤمنی اذان و اقامه گفت و وارد نماز شد. در حین نماز، چیزی که باطل کننده‌ی نماز است از او سر زد. آیا پس از وضو گرفتن، اذان و اقامه بر او واجب است؟ با توجه به این که وضعیت نشستن او تغییر خواهد کرد زیرا وی می‌رود که وضو بگیرد.

۲- إنسان مؤمن يصوم صيام واجب وفي الأيام المستحب فيها الصيام مثل الثلاثة أيام من كل شهر وأيام ذي الحجة، فهل يقع له ثواب الصيام المستحب في هذه الأيام؟

۲ - انسان مؤمنی روزه‌های واجب را می‌گیرد و در ایامی که روزه گرفتن در آنها مستحب است، مثل سه روز هر ماه و ایام ذی‌الحجه نیز روزه‌دار است. آیا ثواب روزه‌ی مستحبی این ایام برای او نوشته می‌شود؟

۳- في ذمتي عدة شهور صيام، وعدة سنين صلاة نيابة مقبوضة الأجرة، وختمتين قرآن لم يكتملا وكل ذلك ماله أي الأجرة مقبوضة. وكذا بناتي كنَّ يصمن ويصلين جارة وقدرة (كذا) كون في ذمتهنَّ باقي إلي الآن، وكذلك امرأة مؤمنة تصوم وتصلني نيابة اجارة وفي ذمتها باقي لأجل المعيشة في كرامة بعيداً عن اللئام الذين استولوا على عروشكم وأزالوكم عن مراتبكم التي رتبكم الله فيها، وحللو حرامكم وحرمو حلالكم، فيا سيدي يابن الرحمة المهداة والنعمة المسداة، يابن مكة ومنى، يا بن طه والمحكمات، مُرني بأمرك، علمني بعلمك، خذ بيدي

للخروج من كل حرام وأعني بالولوج في كل حلال. وما مضى من هذا العمل والمال مقابله كيف هو؟

مع العلم سيدي وأنت أعلم بذلك أن الذين أعطوني ذلك أي الوسطاء ليسوا مؤمنين بك وبما جئت به على حد علمي، وكذا الأموات المنوب عنهم والله العالم.

٣ - من چند ماه روزه بر گردنم هست و چند سال نماز نیابتی که اجرت آن را گرفته‌ام و نیز دو ختم قرآن که هنوز تمام نکرده‌ام و اجرت همه‌ی اینها را گرفته‌ام. دخترانم نیز روزه و نماز استیجاری به جا می‌آورند و مقداری بر ذمه‌ی آنها تا کنون باقی مانده است. یک زن مؤمن نیز نماز و روزه‌ی نیابتی استیجاری به جا می‌آورد و چیزی بر ذمه‌ی او باقی مانده است، برای زندگی کریمانه و به دور از فرومایگانی که فرومایگان بر تخت‌های شما مسلط شده‌اند و شما را از مقام مخصوص‌تان که خداوند آن رتبه‌ها را به شما داده است دور کردند و حرام شما را حلال و حرام‌تان را حلال نمودند. سرورم! ای فرزند هدیه‌ی هدایت و تار و پودِ نعمت! ای فرزند مکه و منا! ای فرزند طه و محکمات! امرت را به من برسان و با علمت مرا تعلیم نما. دستم را برای خارج شدن از تمام حرام‌ها بگیر و برای درآمدن به هر حالالی یاری‌ام کن. آنچه از این کار انجام شده و مالی که در مقابل آن دریافت شده است، چه وضعیت و چه حکمی دارد؟

آقای من! در حالی که شما داناتری، به اطلاع می‌رسانم کسانی که آن را به من داده‌اند یعنی واسطه‌ها، تا آنجا که خبر دارم، به شما و به آنچه آورده‌ای ایمان ندارند. همچنین امواتِ نیابت شده از سوی آنها نیز همین گونه‌اند و خداوند داناتر است!

٤ - هو أني حججت بيت الله الحرام ثلاث مرات، مرة حجة الاسلام وبعد الإحرام لعمرة التمتع ركبت وزوجتي وبناتي في سيارة مخالف لدين الله وتظلت، فما الحكم في ذلك؟

والحج الثالث نيابة بأجرة، فما حكم النيابة من الحج؟ وتظلت بعد عمرة التمتع أيضاً فما الحكم في ذلك. وفي الحج الثاني عملت خمس عمرات مفردة من أدنى الحل نيابة تطوعاً وكلهنَّ فيهنَّ تظليل بعد الإحرام فما حكم ذلك؟

۴ - من سه بار حج بیت الله الحرام به جا آورده‌ام. یک بار حج واجب بود و من بعد از احرام برای عمره‌ی تمتع، خودم و زن و دخترانم سوار ماشینی شدیم که وضعیتش بر خلاف دین خدا بود و به زیر سایه رفتیم. حکم این کار چیست؟
حج سوم، حج نیابتی و استیجاری بود. حکم نیابت در حج چیست؟ پس از عمره‌ی تمتع نیز زیر سایه رفتیم؛ حکم آن چیست؟ در حج دوم پنج عمره‌ی مفرده انجام دادم که با حداقل اعمال از احرام خارج شدم، به طور نیابتی مستحبی و در همه‌ی آنها پس از احرام زیر سایه رفتیم. حکمش چیست؟

۵- روی المفضل بن عمر، عن جدك الامام الصادق (ع): (إن للمتعة لها سبعين شرطاً...)، فلو بينتها وما هو منها ركن من العقد وما هو واجب وما هو مستحب أي ما هو الشرط الذي يتخلفه يبطل العقد ويصير سفاحاً؟

۵ - مفضل بن عمر از جدت امام صادق (ع) روایت کرده است که: (متعه، هفتاد شرط دارد....) لطفاً اینها را بیان فرما و بفرما کدام یک در عقد، رکن محسوب می‌شود و کدام واجب و کدام یک مستحب می‌باشد؛ یعنی کدامین شرط است که با تخطی از آن، عقد باطل و به زنا تبدیل می‌گردد؟

۶- رجل أجرى عقداً مؤقتاً على امرأة لمدة سنتين ولم يكن معها ثالث بسبب ظروف خاصة بالمرأة خوفاً من أهلها وأولادها بالذات، وكذا الرجل حرصاً على أسرته من الانفصال عنهم، فما الحكم في ذلك؟

المرسل: محمد

۶ - مردی یک زن را به مدت دو سال به عقد موقت خودش درآورده و با این دو، نفر سومی نبوده است؛ به دلیل شرایط خاصی که زن داشته مثل ترس از خانواده و

فرزندانش. مرد نیز به جهت اهتمام شدید نسبت به خانواده‌اش و این که مبادا مجبور شود از آنها جدا گردد، قضیه را مخفی نگه داشته است. حکم آن چیست؟

فرستنده: محمد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

ج ۱: لا يعيد الأذان والإقامة. إنما الذي يعيد الأذان والإقامة هو الذي ترك موضع سجوده معرضاً عن الصلاة إلى عمل آخر، وهذا المؤمن ترك موضع سجوده فقط للوضوء للصلاة فهو لم يعرض عن الصلاة لعمل آخر.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

پاسخ سؤال ۱ - اذان و اقامه را اعاده نکند. کسی اذان و اقامه را تکرار می کند که موضع سجده‌اش را ترک گفته و برای پرداختن به کار دیگری، از نماز روی برگردانده است. حال آن که این مؤمن فقط برای وضوی نماز موضع سجده‌اش را ترک کرده و او برای انجام کاری دیگر، از نماز روی نگردانیده است.

ج ۲: إن شاء الله نعم.

پاسخ سؤال ۲ - به خواست خدا بله.

ج ۳: أخذ الأجر على قراءة القرآن بصوت (جهراً) جائز، حتى وإن لم يحضرها أحد من الإنس فإنه يحضرها من لا ترونه من مؤمني الجن.

پاسخ سؤال ۳ - دریافت اجرت برای قرائت قرآن با صوت (صدای بلند) جایز است حتی اگر انسانی نزدیک او نباشد؛ چرا که از مؤمنان جن، کسانی نزد او می آیند که شما آنها را نمی بینید.

ج: ولا شيء عليكم فيما أدبتم من صوم وصلاة مقابل أجر فيما مضى إن كنتم تجهلون إنها بدعة ولم تشرع في قرآن أو سنة عن النبي(ص) وأهل بيته(ع).

پاسخ: در آن چه از نماز و روزه در برابر دریافت اجرت، قبلاً ادا کرده‌اید، چیزی بر شما نیست، اگر نمی‌دانستید که اینها بدعت است و در قرآن یا سنت منقول از پیامبر(ص) و اهل بیت او (ع) تشریح نشده است.

ج: أما ما قبضتم عنه أجر من صوم وصلاة عن الأموات (الذين ماتوا على ولاية حجة الله في زمانهم أو من تجهل حالهم) ولم تؤدوه فأرجو منك إحصاءه أنت وزوجتك وبناتك والمرأة المؤمنة وإن شاء الله سيقوم إخوانك المؤمنون بالتصدق بالمبلغ عندما يصلهم العدد منك وقد أخبرتهم وهم بانتظار جوابك.

پاسخ: لطفاً شما و همسرت و دخترانت و آن زن مؤمنه، آن اجرتی را که به جهت ادای روزه و نماز برای اموات دریافت کرده‌اید (کسانی که بر ولایت حجت خدا در زمانشان مردند یا کسانی که وضعیت آنها را نمی‌دانید) و آنها را ادا ننموده‌اید، شمارش کنید. ان شاء الله برادران مؤمن شما، وقتی که عدد از سوی شما به آنها برسد، این مبلغ را صدقه خواهند داد. من آنها را باخبر کرده‌ام و آنها منتظر پاسخ شمايند.

ويمكنكم أيضاً قضاء الصلاة والصوم عن الأموات الذين قبضتم أجر عن القضاء عنهم فيما مضى(إن كنتم تجهلون أن الصلاة والصوم مقابل الأجر بدعة) ولكن الآن تنوي القضاء عنهم قربة إلى الله لا لأجل الأجر الذي قبضته فيما مضى.

آن چه از قضای نماز و روزه برای اموات که در گذشته به جا آورده و در برابرشان اجرت دریافت کرده‌اید (اگر نمی‌دانستید که دریافت اجرت در برابر قضای نماز و روزه

بدعت است) اشکالی ندارد اما اکنون می‌توانید قضای ایشان را با نیت نزدیکی به خداوند به جا آورید نه در برابر مالی که قبلاً به عنوان اجرت دریافت کرده‌اید.

وبالنسبة لقضاء الصلاة فالقضاء في ليلة ثلاث وعشرين من رمضان يعدل ألف شهر، فلو كان في ذمة شخص مثلاً سنة قضاء أو عشر سنين أو حتى ألف شهر يكفيه قضاء يوم واحد في ليلة القدر.

در خصوص قضای نماز، قضا در شب بیست و سوم ماه رمضان برابر با هزار ماه است، و اگر بر ذمه‌ی شخصی به عنوان مثال دو سال یا ده سال یا حتی هزار ماه نماز قضا باشد، قضای یک روز در شب قدر او را کفایت می‌کند.

ج ۴: الحج نيابة بأجر جائز، ولا شيء عليك من التظليل وأنت محرم قبل إيمانك بالحق.

پاسخ سؤال ۴ - حج نیابتی با دریافت اجرت، جایز است و اگر شما قبل از گرویدن به حق، در حال احرام زیر سایه رفته باشی، چیزی بر عهده‌ی شما نیست.

جئت لانقض هيكل الباطل وأبني هيكل الحق بحول الله وقوته
وبمشيئته سبحانه وبمعونتكم للحق وبحملكم للحق إن شاء الله، ولم أت
لأكلفكم ما لا طاقة لكم به، فإن شريعة أبينا وأبيكم الأطهر إبراهيم (ع) هي
الشريعة السمحاء، وهي فطرة الله التي جاء بها رسول الله محمد(ص) (لا
يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا
إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ
مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) ([169]).

من آمده‌ام تا هیکل باطل را در هم شکنم و هیکل حق را به حول و قوه و مشیت خداوند سبحان و با کمکی که شما به حق دارید و باری که از حق بر دوش گرفته‌اید، ان شاء الله بنا سازم. نیامده‌ام که شما را به آنچه طاقتش را ندارید، مکلف سازم. آیین پدر پاک ما و شما، حضرت ابراهیم (ع) شریعت سهل و آسان بوده و این همان فطرت الهی است که حضرت محمد آن را آورده است: (خدا هیچ کس را جز به اندازه‌ی طاقتش مکلف نمی‌کند. نیکی‌های هر کس از آن خود او و بدی‌هایش از آن خودش است. ای پروردگار ما، اگر فراموش کرده‌ایم یا خطا کرده‌ایم، ما را بازخواست مکن. ای پروردگار ما، آن گونه که بر امت‌های پیش از ما تکلیف گران نهادی، تکلیف گران بر ما منه و آنچه را که طاقتش را نداریم بر ما تکلیف مکن، گناه ما ببخش و ما را بیامرزد و بر ما رحمت آور که تو مولای ما هستی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان) ([170]).

ج ۵: لابد في الزواج الدائم والموقت من:

۱- الإشهاد أو الإشهار (الإعلان).

ويكون الإشهاد بشاهدين عدلين. وأما الإشهار والإعلان فيكون بعد إيقاع العقد وقبل الدخول، ويتحقق بما يسمى عرفاً إشهار وإعلان كالدعوة إلى وليمة العرس وما شابه.

۲- وأقل مدة للزواج الموقت ستة أشهر.

وتفصيل أكثر تجده إن شاء الله في كتاب شرائع الإسلام، مكتمل وسيقوم المؤمنون بنشره عن قريب إن شاء الله.

پاسخ سؤال ۵ - آنچه در ازدواج موقت و دائم لازم است، عبارت است از:

۱ - اشهاد (شاهد گرفتن) یا اشهار (آشکار و اعلان کردن).

اشهاد با دو شاهد عادل صورت می‌گیرد. اشهار و اعلان نیز پس از انجام عقد و قبل از دخول می‌باشد، و با آنچه در عرف، اشهار و اعلان می‌گویند مانند دعوت به ولیمه‌ی عروسی و مانند آن، محقق می‌گردد.

۲ - کمترین مدت ازدواج موقت شش ماه است.

شرح بیشتر را ان شاء الله در کتاب شرایع الاسلام خواهید یافت. این کتاب در حال تکمیل شدن است و ان شاء الله به زودی مؤمنان آن را منتشر خواهند کرد.

ج ۶: وفي هذه الحالة التي ذكرتها أنت ربما يصعب الإشهار (الإعلان) لكن لا يصعب الإشهاد، فيستأنف العقد معها مع الإشهاد ويوصي الشاهدين بكتمان الأمر إلا عند الضرورة أو إثبات الحقوق.

أحمد الحسن

پاسخ سؤال ۶ - در این حالتی که شما بیان نموده‌ای، شاید اشهار (اعلان) دشوار باشد ولی اشهاد سخت نیست. عقد با آن زن را با اشهاد از سر بگیرد و دو شاهد را به کتمان آن مگر در صورت وجود ضرورت یا اثبات حقوق، سفارش کند.

احمد الحسن

[169] - البقرة: 286.

[170] - بقره: 286.